

معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه شهید بهشتی و ریاست پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی را در کارنامه خود دارد و در حوزه حقوق خصوصی و حقوق خانواده چهره‌ای صاحب‌نظر است، به‌عنوان مشاور وزیر علوم انتخاب شده است.

▼ مصادیق وفاق در دانشگاه

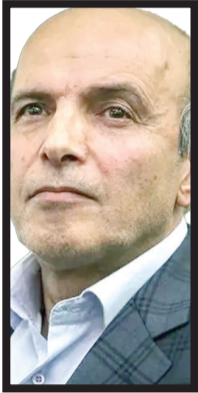
مسعود پزشکیان همانطور که در مناظرات انتخاباتی‌اش نیز درباره لزوم اهتمام به ایرانیان خارج از کشور و اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از خروج نخبگان و مهاجرت آنها اشاره کرده بود، درباره ماندن نخبگان در کشور صحبت کرده و وعده داده است که انتخاب مدیران براساس حق و عدالت صورت می‌گیرد اما اساس صحبت‌های او که بازتاب گسترده‌ای داشته و با واکنش‌های مثبت و بعضاً انتقادی همراه شده این است که رئیس‌جمهور اعلام کرده: «همه اساتیدی که به هر طریقی دانشگاه‌ها با آنان لغو قرارداد یا اخراج کردند، بازنگری کنید. دانشجوها را بازگردانید. حق است دانشجو حرف بزند. دانشجو نمی‌تواند آدم بدی باشد، او فردا و آینده کشور است. دانشجو باید بتواند سوال کند. برپایی کرسی آزاداندیشی که مقام معظم رهبری روی آن نیز تاکید داشتند، یعنی اینکه دانشجو بتواند حرف خود را مطرح کند. ما باید با منطق جواب دانشجو را دهیم.»
تعداد زیادی از اساتید دانشگاه معتقدند، ترمیم شکاف‌های ایجادشده میان دانشجویان و اساتید آرمان خواه و مطالبه‌گر با حاکمیت به تبع اتفاقات رخ داده در سال‌های اخیر و جلوگیری از عمیق شدن مسائلی که در گفتمان وفاق می‌توان آنها را به خوبی مدیریت کرد، نیازمند تحقق وعده اصلی پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم یعنی «حق و عدالت» است. حسین میرمحمدصادقی، حقوقدان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی در این باره به «هم‌میهن» می‌گوید، اینکه وزرا به‌ویژه وزیر علوم از میان دانش‌آموختگان علوم انسانی انتخاب شود، محاسن مختلفی دارد: «وزیر علوم باید با جامعیت اعمال نظر کند تا تمام رشته‌ها مورد حمایت قرار گیرند. برای تحقق وفاق بین دانشجو و کادر هیئت‌علمی باید تلاش شود و از طرفی برای اجرای وفاق در دانشگاه باید به این امر توجه شود که دانشجویان سلیبق مختلفی دارند. در این سال‌ها بعضاً یک جز سلیقه خاص، صاحبان سلیبق دیگر خیلی خود را در تصمیمات شریک نمی‌دانستند و در مسائل مربوط به جامعه و دانشگاه شرکت داده نمی‌شدند. این هنر را وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها باید داشته باشند که از نظرات صاحبان سلیبق مختلف استفاده کنند.»

▼ وضعیت وخیم دانشگاه

در این بین اما همچنان به نظر می‌رسد منظور اصلی «وفاق در دانشگاه» برای بسیاری از جامعه‌دانشگاهی، گنگ است و نیاز به تبیین از سوی وزارت علوم دارد. بخشی از جامعه دانشگاهی نسبت به این امر دغدغه دارد که مشخصاً «وفاق در دانشگاه» مادامی که افراد غیرشایسته در دانشگاه حضور دارند، چطور می‌تواند رخ دهد؟

سعید معیدفر، جامعه‌شناس و دانشیار بازنشسته دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در این باره به «هم‌میهن» می‌گوید که ابتدا باید معنای صحیح مدنظر دولت درخصوص «وفاق در دانشگاه» تبیین شود: «به اندازه کافی در سال‌های گذشته آموزش عالی ما خیش زده شده است و هرچه افراد نخبه و کارآمد داشتیم را از دانشگاه بیرون انداخته و هرچه آدم متوسط و ضعیف بوده، به دانشگاه چپانده شده است. حال می‌خواهیم چه کنیم؟ آیا منظور از وفاق این است که می‌خواهیم افراد موثر را به دانشگاه برگردانیم و در کنار افراد ضعیفی بنشانیم که جایگاه و شأن آنها حضور در دانشگاه نیست؟ آیا می‌خواهیم چنین کاری کنیم و سپس نام آن را «وفاق» بگذاریم؟ یا اینکه می‌خواهیم مشخصاً بررسی کنیم که چه بلایی بر سر دانشگاه و آموزش عالی در سالیان گذشته آمده است و به سرعت این خون‌کیفی را از بدن بیرون کنیم، سپس خون سالم به آن تزریق کنیم؟ وقتی می‌خواهیم وارد اقدام سالیام و مشکلات و بحران‌هایی که در عرصه‌های مختلف اعم از مسائل و آنچه در دانشگاه‌ها آوار شده است حل کنیم، دیگر بحث وفاق معنایی ندارد، چراکه اساس کار روی این امر است که شما دقیقاً درگیر کدام بحران هستید و پس از شناخت مسئله به اقدام روی آورید. در حال حاضر ما در تمام عرصه‌ها مشکلات بسیار حادی داریم گه اگر با فوریت به آنها رسیدگی نشود تقریباً باید گفت، فرصت‌ها را برای همیشه از دست داده‌ایم. در حال حاضر حوزه آموزش عالی ما به‌دلیل مداخلات ناراو و غیراصولی و بدون برنامه‌ریزی و براساس نگاه‌ها و رویکردهای ایدئولوژیک وضعیت بسیار وخیمی دارد. از اساتید گرفته شده تا دانشجویان و درس‌ها و فضای دانشگاه.»

او درباره تجربه خود در محیط دانشگاه هم می‌گوید: «خود من از سال ۹۰ به طور کلی دانشگاه را رها کردم، چراکه احساس کردم دیگر نمی‌توان آنجا نفس کشید. احساس کردم فضای سالمی نیست به دلیل اینکه



سعید معیدفر
جامعه‌شناس و
دانشیار بازنشسته
دانشکده علوم
اجتماعی دانشگاه
تهران:

دیگر نخبگان ما احساس خوبی ندارند، بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند رها کرده و بروند و برخی ترجیح می‌دهند اصلاً به دانشگاه نیایند و برخی دیگر الان بیرون دانشگاه در حال کار کردن هستند. در واقع باید گفت بهترین‌ها الان بیرون دانشگاه هستند و متوسط‌ها و ضعیف‌ها در دانشگاه

دیگر آنجا دانشگاه و یک محیط فعال، نقاد و پرتحرک و عرصه‌ای که بتواند به حل مسائل کشور کمک کند، نبود. بلکه دکاتی برای عده‌ای شده است که نهایتاً یک پروپاگاندایی برای توده داشته باشند. همین چند وقت پیش بحث بر سر این بود که یکی از مسئولان اجرایی ما که باید تمام وقت خود را صرف امور اجرایی کشور کند استادتمام دانشگاه شده است. مشخص است در این شرایط دیگر دانشگاه محل کسب دانش نیست بلکه محل توزیع رانت، پوزیشن و تبلیغات برای یک عده خاص است و واقعاً کارکرد دانشگاه در حال حاضر از بین رفته است. از همین رو دیگر نخبگان ما احساس خوبی ندارند، بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند رها کرده و بروند و برخی ترجیح می‌دهند اصلاً به دانشگاه نیایند و برخی دیگر الان بیرون دانشگاه در حال کار کردن هستند. در واقع باید گفت بهترین‌ها الان بیرون دانشگاه هستند و متوسط‌ها و ضعیف‌ها در دانشگاه؛ چراکه دانشگاه فقط مکانی شده است تا عده‌ای بیایند و مدرکی گرفته و عنوان استادتمام یا آقای دکتر بگیرند و به هر حال آن وظیفه اصلی و نقش اصلی که باید داشته باشند را ندارند. دانشگاه یک تابلوی تزئینی شده است که هیچ کارکردی ندارد. گرچه قبلاً هم کارکرد دانشگاه در جامعه ضعیف بود اما الان دیگر هیچ نقشی ندارد و فقط نقش تولید مدرک دارد و نقش اینکه عده‌ای بیایند و در کنار عناوین خود یک عنوان دیگر هم بگیرند را دارد. این دانشگاه سخت درگیر بحران است و بحث وفاق معنا پیدا نمی‌کند بلکه همه سعی ما باید این باشد که به سرعت این محیط را احیا کنیم. دانشگاه در حال حاضر وضعیت کسی را دارد که در حال احتضار است. در شرایط احتضار نمی‌توان گفت بیایید رفیق باشیم و پست‌ها را با هم توزیع کنیم، اگر چنین منظوری از «وفاق در دانشگاه» داریم باید گفت چنین نگاهی کاملاً اشتباه است چراکه به هیچ وجه پذیرفته نیست که برای عرصه‌هایی که درگیر بحران جدی هستند و نفس‌های آخر را می‌کشند درباره «وفاق» به این معنا صحبت کنیم. این خطای بزرگی است.»

معیدفر معتقد است که وفاق در دانشگاه جز با یک امر محقق نخواهد شد: «اگر حاکمیت متوجه شده است که درگیر مسئله بزرگ و بحران در عرصه‌های مختلف است، نباید تعارف داشته باشد و باید به نحوی از متخصص‌ترین و شایسته‌ترین افراد استفاده کند و کاری به این نداشته باشد که این فرد به حاکمیت نزدیک است یا خیر بلکه به عبارتی باید کسانی که می‌توانند علائم حیاتی این‌مریض در حال احتضار را برگرداند به کار گیرد تا بعدها بتواند به نحوی این‌مریض را ریکاوری کند. بنابراین من به شخصه بر سر مفهوم «وفاق در دانشگاه» مسئله دارم و باید توضیح داده شود که مسئله وفاق در دانشگاه مشخصاً به چه اقداماتی باز می‌گردد. بر اساس آنچه در کابینه اتفاق افتاده است می‌توان این را فهمید که افراد وابسته به جریانات مختلف را بدون در نظر گرفتن شایستگی در کنار هم بنشانیم و کابینه‌ای تشکیل دهیم و به آن بگویم کابینه ترکیبی است. اگر چنین منظوری از «وفاق

یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۵۹۸
www.hamhianonline.ir

در دانشگاه» وجود داشته باشد که اساساً غلطی مهلک است نشان می‌دهد هنوز درک نکرده‌ایم که درگیر بحران هستیم. تمام سعی ما باید این باشد که فضای دانشگاه را فضای سالمی قرار دهیم که امکان تنفس در آن وجود داشته باشد. دانشگاه باید جایی باشد که افراد شایسته در آن حضور داشته باشند و اساتید و دانشجویان وقتی در آن محیط قرار می‌گیرند حس خوبی داشته باشند. الان وقتی وارد دانشگاه می‌شوید دانشجو و استاد شایسته آن زجر می‌کشند و خیلی علاقه‌ای به آن محیط ندارند. فضای آن دانشگاه فضای زجرآور و خسته‌کننده‌ای است.»

او ادامه می‌دهد: «در سال‌های اخیر وقتی وارد دانشگاه می‌شدیم تمام حوزه‌های دانشگاه در اختیار حراست بود و اساس دانشگاه پادگان شده بود و وقتی شده‌ای چراکه جای علم و تبادل اطلاعات و داده‌ها نبود. استاد را می‌ترسانند و دانشجو را اخراج یا تحریم می‌کنند. اساتید شایسته را اخراج می‌کنند و افرادی که شایستگی قرار گرفتن در مقام استادی را ندارند، وارد دانشگاه می‌کنند. این فضا تاکنون بوده است، الان می‌خواهند با «وفاق» این فضا را چه کنند؟ باید وقتی وارد دانشگاه می‌شویم احساس کنیم وارد یک فضای گفت‌وگویی، علمی، تبادل دانش و اطلاعات می‌شویم که در آن اساتید شایسته و دانشجویان با انگیزه و با علاقه حضور دارند که با صلاحیت وارد دانشگاه شده‌اند. باید وفاق در دانشگاه تبیین شود که مشخصاً چه معنایی دارد. باید دید از دانشگاه چه انتظاری داریم. برای مثال امسال در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران رشته‌ای تاسیس کردند به نام علوم پژوهش‌های اسلامی، این رشته دقیقاً چیست؟ آیا کار دانشگاه ترویج یک ایدئولوژی یا محل ترویج دانش است؟ آیا دانشگاه حوزه علمیه است و یا برای نهادهای حکومتی کادرسازی می‌کند؟ اولین و مهمترین مسئله ما این است که روندهای این‌چنینی را اصلاح کنیم و مشخص کنیم دانشگاه جایی است که قرار نیست ایدئولوژی خاصی تبلیغ شود، دانشگاه جایی است که قرار نیست در آنجا درجه به افراد دهند و جایی برای مدرک‌گرایی نیست، بلکه صرفاً جایی برای تولید دانش است. حتی اگر دانشگاه در سالیان گذشته در این مسئله ضعیف بوده باشد هم، به‌مراتب در چند سال اخیر این کارکرد علمی خود را از دست داده است. بنابراین اولین اولویت ما همین است که دانشگاه صرفاً جایی برای تبادل علم و دانش و حضور شایستگان باشد. کسانی که در حوزه دانشگاه حرفی برای گفتن دارند و صاحب آثار و تألیفات هستند در دانشگاه حضور یابند. این باید رویکرد اصلی ما باشد و قاعدتاً وقتی رویکرد اصلی این باشد در مرحله بعد باید مشخص کنیم دانشگاه قرار است برای کشور چه کند؟ آیا دانشگاه صرفاً موجودی جداافتاده و جداگانه است یا اینکه می‌خواهد برای بهبود جامعه کاری انجام دهد؟ یکی از مشکلات جدی ما این است که رابط بین دانشگاه و جامعه، دانشگاه و صنعت، دانشگاه و اقتصاد و عرصه‌های دیگر قطع است و این رابطه را نداریم.»

شرکت توزیع نیروی برق

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی

نوبت اول

موضوع مناقصه: تعیین پیمانکار کلید در دست اجرای پروژه‌های تبدیل شبکه مسی به کابل خودنگهدار مدیریت برق اسکو و اداره برق ایلخچی جهت ارتقای کیفیت برق‌رسانی به مترزآبرآوردی ۸۰۰۰ متر مطابق لیست مناطق پیوستی

دستگاه مناقصه‌گزار و آدرس: شرکت توزیع نیروی برق تبریزواقع در تبریزکوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران، شرکت توزیع نیروی برق تبریز

مدت زمان اجرا: ۱۲ ماه

برآورد اولیه: برابر ۱۸۱'۳۳۴'۹۶۰ ریال می‌باشد.

مهلت دریافت اسناد از طریق سامانه ستاد: از تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ لغایت ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد: پیشنهاددهندگان می‌بایست ضمن بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و کلیه مدارک پاکات الف، ب و ج در سامانه ستاد تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷، نسبت به ارسال اصل پاکت الف به صورت لاگ و مهرشده ظرف همان مهلت به دبیرخانه این شرکت اقدام نمایند.

تذکر: به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضاصدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: برابر ۰۰۰'۴۴۰'۳۲۵ ریال بوده و پیشنهادهای فاقد تضمین، تضمین مخدوش، تضمین کمتر از میزان مقرر بالاتر می‌باشند.

شرایط خاص برای ورود به ارزیابی کیفی و مناقصه:

ارائه گواهی صلاحیت پیمانکاری در رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه و داشتن ظرفیت کار آزاد

ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده

ساعت، روز و محل افتتاح اسناد ارزیابی کیفی:

ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ و محل قرائت طبقه ششم (سالن جلسات)

زمان و محل قرائت پاکت های مناقصه (الف، ب و ج) به شرط کسب حداقل امتیاز لازم (حداقل ۶۵) از ارزیابی کیفی:

ساعت ۰۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ طبقه ششم (سالن جلسات)

▶ کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادات مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج بوده و سایت‌های زیر جهت اطلاع‌رسانی اعلام می‌گردند:

پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات <http://lets.mporg.ir> وسایت معاملات توانیر <http://www.tavanir.org.ir> وسایت توزیع برق تبریز <http://www.toztab.ir>

شناسه آگهی: ۱۷۸۶۵۸۰

نگاه کارشناس

تعاملات جهانی

در سایه رسانه‌های نوین

حامد کاظم‌زاده خوئی

مدیرمستول ماهنامه ندای قلم

دیپلماسی رسانه‌ای در عصر حاضر به یکی از ابزارهای کلیدی در تعاملات بین‌المللی تبدیل شده است. رسانه‌ها با قابلیت انتشار سریع و وسیع اطلاعات، نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و روابط بین‌المللی ایفا می‌کنند. این تحول به‌ویژه در ایران به‌دلیل رشد رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است.

▼ تجربه ایران

در ایران، رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی به ابزارهای مهمی برای بیان مواضع و سیاست‌های کشور تبدیل شده‌اند. پرس‌تی‌وی و العالم از جمله شبکه‌های خبری ایرانی هستند که با ارائه اخبار و تحلیل‌های مختلف، تلاش می‌کنند تصویر واقعی از سیاست‌ها و فرهنگ ایران ارائه دهند. این شبکه‌ها با ایجاد محتوای چندرسانه و تحلیل‌های جامع، به مقابله با اخبار جعلی و تحریفات رسانه‌ای پرداخته و به تقویت دیپلماسی عمومی ایران کمک کرده‌اند.

▼ مقابله با اخبار جعلی و جنگ رسانه‌ای

یکی از بزرگترین چالش‌های ایران، مقابله با اخبار جعلی و تحریفات رسانه‌ای است. رسانه‌های بین‌المللی بعضاً با انتشار اطلاعات نادرست، تصویر منفی از سیاست‌های ایران ارائه می‌دهند. برای مقابله با این چالش، ایران از رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی بهره برده است. به‌عنوان مثال، فعالیت‌های محمدجواد ظریف در توئیتر، توانسته‌اند به روشنی دیدگاه‌های ایران را به جهان منتقل و از انتشار اطلاعات نادرست جلوگیری کنند.

▼ نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به‌ویژه در ایران، نقش بسزایی در دیپلماسی رسانه‌ای دارند. استفاده از پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام و توئیتر به دولت ایران این امکان را داده که به‌طور مستقیم و سریع پیام‌های خود را به مخاطبان جهانی منتقل کند. محمدجواد ظریف با استفاده از توئیتر، توانسته است اطلاعات دقیق‌تری را درباره مذاکرات هسته‌ای و سیاست‌های ایران منتشر کند و به تقویت دیپلماسی رسانه‌ای کمک کند.

▼ دیپلماسی رسانه‌ای و نقش فرهنگ

ایران با بهره‌گیری از رسانه‌ها، تلاش کرده است تا فرهنگ و هنر خود را به جهان معرفی کند. برنامه‌های فرهنگی مانند هفته‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های هنری، با پوشش رسانه‌ای گسترده، به تقویت روابط فرهنگی بین‌المللی کمک کرده‌اند. جشنواره فیلم فجر و نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها هستند که با ارائه محتوای فرهنگی و هنری، به دیپلماسی فرهنگی ایران افزوده‌اند.

برای بهبود دیپلماسی رسانه‌ای ایران، پیشنهاد می‌شود:
*تقویت توانایی‌های رسانه‌ای داخلی برای مقابله با اخبار جعلی و تحریفات.

*استفاده بیشتر از ابزارهای دیجیتال برای تعامل مستقیم با مخاطبان جهانی.

*ایجاد استراتژی‌های دقیق‌تر برای معرفی فرهنگ و هنر ایرانی به جهان.

دیپلماسی رسانه‌ای ایران در عصر دیجیتال با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی مواجه شده است. رسانه‌ها با توانمندی‌های جدید خود، می‌توانند نقش مؤثری در شکل‌دهی به روابط بین‌المللی و پیشبرد اهداف دیپلماتیک ایفا کنند. با استفاده از استراتژی‌های مناسب و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین، ایران می‌تواند جایگاه خود را در دیپلماسی رسانه‌ای تقویت کند و به ایجاد روابط مؤثرتر با دیگر کشورها بپردازد.

ناجی ۱۵۰ زائر، جان باخت

«جلال اسدی»، خادم بجنوردی موکب آرمان حسین که در جریان آتش‌سوزی هتلی در کربلا ۱۵۰ زائر را نجات داده و خودش دچار ۷۰ درصد سوختگی شده بود، جان باخت. به گزارش رکنا، ظهر روز شنبه ۲۰ مردادماه هتلی که در مجاورت موکب دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی قرار دارد، دچار آتش‌سوزی شد. آتش‌سوزی در طبقه هفتم اتفاق افتاده بود و زائران زیادی گرفتار شده بودند. جلال اسدی، یکی از کارمندان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی که برای آتش‌سوزی راهی عراق شده و آن زمان در موکب این دانشگاه حضور داشت، همراه با چهار عراقی برای نجات افراد گرفتارشده، وارد هتل شدند. آنها هفت طبقه را با پله بالا رفتند و خود را به کانون آتش‌سوزی رساندند. در آنجا بود که متوجه شدند حدود ۱۵۰ نفر از زائران در طبقه هفتم گرفتار دود و آتش شده‌اند و با خطر انداختن جان‌شان، تمام آنها که در این آتش‌سوزی گرفتار شده بودند را از ساختمان خارج کردند. اسدی در جریان این اتفاق، دچار ۷۰ درصد سوختگی شد و در نهایت پس از تحمل درد، روز جمعه جان باخت.